هم بافته کتاب و حکمت در فهم مهدویت

- الف) روایت حکمت لقمان، معرفت امام زمان
- ب) روایت «وَضَعَ اللّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ»

الف) روایت حکمت لقمان، معرفت امام زمان

در این فضا عرض کردم که فرمایش امام رضا علیه‌السلام به دعبل بسیار مهم است. مورد دیگر هم این بود که اساس اعتقادات شیعه و به‌طور کلی معارف الهی یک هم باف‌تهای از کتاب و حکمت است. عرض کردم که این خیلی مهم است. لذا تا آن روایت را نفهمید...؛ بعد از این روایت یادم آمد. در تفسیر برهان، حدیثی هست که برای این بحث‌هایی که گفتم مناسب است بروید تأمل کنید.

> عَنْ عَلِيِّ الْقَصِيرِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَوْلُهُ: وَ لَقَدْ آتَيْنا لُقْمانَ الْحِكْمَةَ؟ قَالَ: «أُوتِيَ مَعْرِفَةَ إِمَامِ زَمَانِهِ».
>
> **[1]**

یعنی بالاترین و اوج حکمت را امام علیه‌السلام اشاره می‌کنند. لذا این جور نیست که الآن «لقمان الحکمه» با این زمان ما فرق کند. فرقی نمی‌کند. الآن هم بالاترین کسی که اعتقاد صحیح دارد، اگر این جمله را درست فهمیده باشد آن منظومه را، بالاترین حکیم است. ولذا امر مهم است. یک کلمه نیست. اگر یادتان باشد عرض کردم از اول خلقت تا به حال بیست و پنج حرف علم هنوز نیامده است. علم بیست و هفت حرف است، از اول تا حالا دو حرفش آمده و بیست و پنج حرفش مانده تا بیاید. از این دو حرفی که آمده، در روایت کافی دارد که علم آصف بن برخیا مثل «قطرة من بحر» بود. حضرت فرمودند نسبت علم آصف بن برخیا به اقیانوس، مثل نسبت قطره و دریا است.

شاگرد: شاید برای خواصی مثل سلمان تمامش باشد.

استاد: آن فضای دیگری است. فعلاً عموم را می‌گوییم. علی ای حال از آن، علم آصف است. حضرت فرمودند علم آصف قطره‌ای از دریا بود. با چشم برهم زدن تخت را آورد؛ «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ»[2]. این علم که نسبتش این است، چه چیزهایی در دل آن بیست و پنج حرف است؟! حضرت فرمودند «انما كان عند آصف كاتب سليمان وكان يوحى إليه حرف واحد ألف أو واو»[3]. اگر آصف با یک حرف این کار را کرد، در زمان ظهور که بقیه‌اش می‌آید، چه خبر می‌شود؟!

---

[1] البرهان في تفسير القرآن نویسنده : البحراني، السيد هاشم جلد : 4 صفحه : ۳۶۶

[2] النمل ۴۰

[3] بصائر الدرجات- ط مؤسسة الاعلمي نويسنده : الصفار القمي، محمد بن الحسن جلد : 1
صفحه : ۲۳۰

ب) روایت «وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ»

حال روایت کافی شریف را ضمیمه کنید؛ حضرت فرمودند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ»[1]؛ وقتی زمان ظهور میشود خدای متعال کاری میکند که عقل های همه کامل میشود. کمال عقل هم به علم و معرفت و به همه چیز است. ولذا است که این مطلب مهم است. یعنی خود اصل درکش و نظمش و آن چه که امام صادق علیه‌السلام فرمودند، به همه ای اینها نیاز حتمی دارد.

---

[1] الكافي- ط الاسلامية ویسنده : الشيخ الكليني جلد : 1 صفحه : ۲۵